

رژیم جمهوری اسلامی بر سر دوراهی

"فکر میکنم امریکا شرایط امام (برای آزادی گروه‌ها) را بپذیرد."

(که البته این جمله در روزنامه‌های ایرانی درج نشد) و بلافاصله پاسخ شنید که امریکا سه شرط را تقاضا می‌پذیرد. داستان زمانی کاملتر گردید که موضوع قطعات یدکی سلاحها، که ایران بولشان را به امریکا پرداخته ولی بعلت گروه‌گانگبری آنها را دریافت نداشته است، در محاسبه‌های رجایی، هاشمی رفسنجانی و خطبه‌ی نماز جمعه‌ی خامنه‌ای بصورت گلایه مطرح شد. و باز پاسخ امریکا این بود که قطعات یدکی بعد از آزادی گروهگانها تحویل خواهد شد. این پاسخی بود که به گفته‌ی رادبوی صدای (امیرالایم) امریکا ایران از انگلستان و کشورهای دیگر نیز دریافت داشته است. به این ترتیب بنظر می‌رسد که جنگ با عراق، بهانه‌و زمینه‌ی مناسب‌را برای خلاص شدن از شر گروهگانها، برای رژیم جمهوری اسلامی فراهم کرده است. بزعم رادبوی بی بی سی "برغم امتناع رجایی، وی مایل بوده و البدهایم بعنوان حکم بین او و واشنگتن وارد شود." حتما این مسئله نیز زمانی طرح شده که آقای رجایی خطاب به والدتها گفته است:

"شاید شما ناچار به نظیر اساسی تشکلات خود باشید!"

طولانی شدن جنگ و نیاز جمهوری اسلامی به قطعات یدکی برای ماشین جنگی خود و بیکه‌تار شدن نسبی حزب‌جمهوری اسلامی در عرصه‌ی فرای سه‌گانه، حزب‌را به عرافت انداخته است که گریبان خود را از چنگ مسالهی گروهگانها خلاص کند و همانطور که قبلا نیز گفته‌ایم نقش این وسیله برای حرب به پایان رسیده است و اکنون وقت آنست که کاشته‌ها را درو کنند. بنا براین بی جهت نیست که آقای رجایی به نماینده‌ی یکی از کشورهای اسلامی در سازمان ملل میگوید گروهگانها در عرض هفته‌ی آینده آزاد خواهند شد (البته با تکذیب مساله از طرف ایران، معنوم نشد کدامیک از دو مسلمان آقای رجایی و یا نماینده‌ی کشور اسلام، دروغ گفته‌اند!) و کیسینجر هم لابد از مساله‌ای مطلع است که پیش‌بینی کرد گروهگانها قبل از انتخابات (۱۳ آبان) امریکا آزاد خواهند شد.

در این میان نظر برخی دیگر از معاضل "نه شرقی، نه غربی" نیز قابل توجه است. کیهان شنبه سوم آبان در

ما در رهائی ۴۲، در مقاله‌ای تحت‌عنوان "جرا شیخ علیخان نمیبخشند؟ در آستانه‌ی آزادی گروهگانها" گفتیم که ابتداء حینی بر بیشتی و بنی صدربیندسی کرده وجوات نامهی مانکی به رجایی را در پیام خود خطاب به زاکران بیب‌الله‌الحرام داده است. در همانجا نیز گفتیم که از چهار شرط تعیین شده توسط وی برای آزادی گروهگانها سه شرط دینوانند سلافاصله مورد پذیرش امریکا و افسر شده و شرط چهارم یعنی بازگرداندن دارایی‌های شاه نیز مشکلی نخواهد بود و منتظا آزادی گروهگانها را بالتسبیه قریب‌الوضع دانستیم.

اکنون بنظر می‌رسد که مساله‌ی آزادی گروهگانهای امریکایی وارد مرحله‌ی جدیدتری نده است. مسافرت رجایی به سیویورگ (که حتی شهریار روحانی سردبیر کیهان و داماد دکتر بوردی نیز از غیر منظره بودن آن ننجت کرد!) بر عمل مباحثات جدیدی درباره‌ی گروهگانها و آزادی آنها را گشوده است. البته روشن است که به یمن مخفی بودن سیاست رژیم جمهوری اسلامی، جوانبی از این قضیه در مورد واقعیت آنچه در نیویورک اتفاق افتاده، در آینده آشکار خواهد شد، ولی با مشاهده‌ی شواهد متعدد میتوان به یقین عظیمی از واقعیت هم اکنون پی برد.

آنچه مسلم است اینست که بعد از بازگشت رجایی، ادووند ماسکی، وربر خارجی امریکا طی نطقی در روز دوشنبه‌ی گذشته ضمن ادعای سیطره‌ی در جنگ ایران و عراق سبب نه تجزیه‌ی ایران ابراز نگرانی کرد و گفت:

"تمامیت ارضی ایران با تعاون عراق در خطر قرار گرفته است... دولت امریکا عراق را مستحسن اول آغاز جنگ و مخالفت با ایران قلمداد میکند."

در پی این امر کارتر نیز اظهار داشت:

"ایرانی متحد و نیرومند بنفع منافع ملی امریکا است."

انتحی ندارد! کارتر حتما نمیدانده که رژیم جمهوری اسلامی علیه امیرالایم امریکا مبارزه میکند! این ایسراز نگرانها چندین بار در طول هفته توسط مقامات مختلف سفیر امریکایی و افرادی نظیر برزینسکی و غیره تکرار شد. اگر اینگونه بیانات در ابتدا بنمورد بنظر می‌رسیدند، بماحبه‌ی مطبوعاتی چهارشنبه‌ی آقای رجایی به ایها مات پایان داد. وی گفت:

تفسیری سخن عنوان "مجلس و گروگانها" بعد از ترحیم سند مربوط به "جاسوسها و شیطان بزرگ" و "سوسیال دموکراتها" انتشار میدارد.

"گارسر رئیس جمهور فعلی آمریکا بعضی میرسد برای بیرونی در انتخابات ریاست جمهوری شروط ایران را بپذیرد... مسأله‌ی مهم در اینجاست که مطرح کردن (خواسته) آزاد کردن (مسأله) گروگانها قبل از انتخاب ریاست جمهوری منافع و عواید برای ایران در بر خواهد داشت که بعد از انتخابات این افسار دیگر برای ایران نخواهد بود... و بنا بر آن به حواست صهیونیست‌ها برای حل نشدن این مسأله در آینده برای مسئولین مشکلاتی در بر خواهد داشت."

مفهوم این کلمات بسیار روشن و آشکار است و در ترجمه به فارسی سلیس عبارت زیر بدست خواهد آمد: "گروگانها را باید قبل از انتخابات آزاد کرد تا کارش پیروز شود، منافع و عواید این مسأله برای ایران قطعاً بدگی، با آن نخریم و غیره خواهد بود. اگر اینکار انجام نشود مواجهه با بیگانگان کار حقیقی است."

اللہ اعلم! حتماً آقای پردی بیشتر میدانند. در هر حال دوستان، آقای نظرداده نیز در مطایبه ... بلورین زبان از امریکانها خواسته‌اند که به کارش برای دهنده و ناعبد عکس العمل منطقی بحاظ در حالت در امور داخلی آمریکا شده‌اند. آیا لازمست عنوان کنیم آقای دکتر پردی که دلیل دامن با سیورب امریکایی واجبیست شرایط انتخاب کردن در انتخابات آمریکا است نه چه کسی رای خواهد داد؟

حزب جمهوری اسلامی هم بر خلاف هیاهویی که به هنگام اشغال مغرب و نلاتهای قطار زاده و بنی صدر برای آزادی گروگانها برای ادخاله نمودن اینروزها در اینباره دیگر اظهار نظری نمیکند و میمرد این مورد را به نمایندگانشان مردم" یعنی آقای خودی در مجلس واگذار کرده است.

بهر عورت در ادعای سناریو "مجلس شورای اسلامی" سر سخن راجع به مسأله گروگانها را روز یکشنبه (۴ آبان) آغاز کرد. بعد از سخنها و مابورهای مختلف، طرح فشرده‌تری بودن جلسه مطرح شد و مطلق سوری (یکی از هدف عمده حزب جمهوری اسلامی که کمیسیون ویژه گروگانهای مجلس است) شکل میدهد در موافقت با آن گفت: "علت این پیشنهاد اینست که ... نگذاریم هستند که بر تصمیم گیری نمایندگان تأثیر خواهند گذاشت. ولی طرح آنها در جلسه مجلسی ... برای خبرگاران و مردم در حال حاضر صحیح نیست ... انتقال سیمه دقیق سخن مستقیم مذاکرات مجلس ... حال پیش بینی است که چه نکاتی را آقایان حزب جمهوری اسلامی تصدیق دارند از مردم محجب کنند. زیاد مشکل نیست: امکان پیروزی رنگان بر کارش؟ در ضمن مطامع بدگی؟ خصم نخریم افتما؟ و شاید همی آتیا. بنا به گزارش خبرگزاری فرانسه هنگام خروج نمایندگان از مجلس، یکی از آنها گفتند است: شروط امام در گزارش کمیسیون ویژه منظور شده ولی

شروط عذرخواهی هم قرار داده شده است. همچنین پیشنهاد خروج نعام نیروهای آمریکا از خلیج فارس بعنوان یک شرط، غیر واقع بینانه توصیف شده و رد شد. یعنی اینکه آقایان صحت شرح شرایطی را دارند که از پذیرفته شدنشان مطمئن باشند و بتوانند گروگانها را آزاد کنند. به این وسیله ما یک تیر دو نشان خواهیم زد. هم آمریکا "تسلیم" شده و شرایط جمهوری اسلامی را خواهد پذیرفت و هم آقایان از شرایط "مراجعه" صد امیربالیستی توده‌ها خلاص خواهند شد.

عبارتین نظر میرسد که بار هم وحدت کلمه در میان "تمام" افتار از "لیبرالها"ی نهضت آزادی که از اول هم مخالف گروگانگیری بودند) و "بنی صدر" گرفته تا فالانها حزب جمهوری اسلامی بوجود آمده است. علیرغم اینکه حزب جمهوری اسلامی این گام را نیز با اداهای "مسئد امیربالیستی" سرانجام برآید.

اما حضاچینای محلی حیات حاکمه هنوز برای یک مشکل راه حلی نیافته‌اند و آن احصای فدا امیربالیستی توده‌ها بی است که در بکمال گذشته با مسأله گروگان گیری سرگرم نگه داشته شده‌اند. این امر نباید تنها مانع باشد که بر سر راه سازش کامل آقایان با شیطان بزرگ قرار گرفته است.

آنچه اکنون مهم است، اینست که ادعاهای رژیم جمهوری اسلامی در سارزه علیه امیربالیسم با استعدادهارواغیات عملکرد آنان در وسیعترین سطح ممکن اضاء گردد. باید سه توده‌ها نشان داد که هدف از گروگانگیری بیش از اینکه قدم در جهت فتح نمود امیربالیسم باشد، اقدام در جهت تصفیه حسابهای گروهی بی حسابهای مختلف حساب خادمه بوده است. باید به توده‌ها نشان داد که فقط و فقط کمونیستها بگیرسیرین دشمنان سرمایه‌داری هستند و سعادت

شریعت در گرو پیروزی کمونیسم است. **ادامه دارد**

فدایی و نظرات ... جنس چیزی غیر ممکن است؟ اما این محترکویی هانمیوانسته به طور گمگهای فریادش "السنه برادرانه بوده باشد؟ آیا می‌توان "کثیر و معیر" بودن سیمواسنه نه در محاسن سل مارکسیست-لنینیستی بنکه در میزان نقدیهی ارمالی بوده باشد؟ آیا "رفیق انورجوجه" که اکنون به سیراج رفیق مانو هم خرده میگرد (باور ندارد؟ اگر نه، بگویند شما نمایان بدهم) نمیتواند فرصت ظنی بوده باشد که منافق ملی خودش را نام مارکسیسم-لنینیسم قالب میکشده میکند؟ آیا هنوز معتقدید هر کس با شما موافق نیست با امیربالیست‌هاست؟ "رفیق" انورجوجه را چه میکنند؟ و این همه تناقضات راجه زمانی میخواهید حل کنید؟ ●



خدمت اجباری در سپاه پاسداران

میکنند" اکثر کارهای بسیج توسط سپاه پاسداران انجام میشود، یعنی اینکه چون مردم از سپاه پاسداران دل خوشی ندارند ناچاراً رهبران رژیم بکنک جدیدی متوسل شده‌اند و حالا نیز سعی دارند که کنترل مساله از دست خود آنها خارج نشود.

بهر جهت طی همین بحث در مجلس یکی از باصلاح نمایندگان بنام دکتر روحانی میگوید:

"همانطوریکه ارتش و شهربانی نمیتوانند سربازگیری نمایند و از ژاندارمری تحویل بگیرند، این ماده‌ی واحد به سپاه اجازه میدهد که افراد مورد نیاز خود را طبق ضوابط خودش انتخاب نماید و پس از طی دوره‌ی سربازی به او برگ‌پایان خدمت بدهد."

سپاه پاسداران بخاطر ادامه‌ی حیات خود بآنجا رسیده است که باید برای "دفاع به درصحت"

می‌بردند: "شما خرابکار هستید"، "شما کمونیست هستید"، "شما با دولت مخالف هستید"، "شما با اسلام مخالف هستید"، "شما تحریک میکنید"، و... این باعث شد که گروه‌های بزرگی از اینان یا خودسپاه پاسداران را ترک کنند و با بیعت مخالفت و اعتراض بر علیه اعمال فاشیستی تصفیه شوند. استقبال از سپاه پاسداران به درجه‌ای تقلیل یافته که در اوج جنگ با عراق، که رژیم جمهوری اسلامی، احساسات تودگای وسیعی از مردم را تحریک کرده است، سپاه پاسداران قادر به بسیج نیرو نیست و اینبار جریانی بنام بسیج مستضعفان رشد میکند و مثل رقبی در مقابل سپاه قرار میگیرد. این مساله تا آنجا حساسیت سردمداران حکومت را برانگیخته که بلافاصله در مجلس مسالهی کنترل بسیج مستضعفان توسط سپاه پاسداران را مطرح میکنند و حتی معادین خواه یکی از رهبران دست دوم حزب جمهوری اسلامی مطرح

سه‌شنبه ۱۶ مه‌زماه "مجلس شورای اسلامی" طرحی را مورد بحث قرار داد که بر اساس آن خدمت اجباری پرسنل وظیفه در سپاه پاسداران نیز انجام خواهد شد. و سپاه پاسداران میتواند تعداد مورد نیاز خود را از میان مشمولین سربازی استخدام کند.

بیاد نیاوریم بعد از پیروزی قیام را که دسته دسته از جوانان با شور و شوق به سپاه پاسداران روی می‌آوردند باین امید که بقایای ضد انقلابیون و ساواکیها را سرکوب کرده و از انقلاب دفاع کنند. ولی بتدریج با گذشت زمان دولت سرمایه‌داری نیز ماهیت خود را به عیان به نمایش گذاشت و از سپاه پاسداران نیز بعنوان یکی از نهادهای سرکوبگر در خدمت خود بهره گرفت. بدین ترتیب سپاه پاسداران در دفاع از حکومت سرمایه‌داران، سیاست سرکوب و خفقان را در برنامه‌ی کار خود قرار داد. اعتصابات کارگری به گلوله بسته شدند، خلق کرد مورد هجوم مسئول وار قرار گرفت، روزنامه‌های آزاد بسته شدند، دانشجویان انقلابی ترور و دانشگاهها که همواره سنگسرها را بشمار میرفتند مانند دوران شاه مورد هجوم و سرکوب قرار گرفتند (شاه کماتندو میفرستاد، رژیم جمهوری اسلامی پاسداران را فرستاد) ... و در تمام این اعمال سپاه پاسداران وظیفه‌ی سرکوب هر گونه اعتراض و مخالفتی را بعهده داشت.

باین ترتیب بود که همان جوانانی که علیه کماندوهای شاه ایستادگی کرده بودند، همانهایی که در مقابل ارتش مقاومت کرده و با کواکتل مولوتف به رگبار بوزی، پاسخ گفته بودند، جوانانی که ضرب و شتم ساواک و شکنجه‌گران ساواک را مشاهده کرده بودند، ناگهان خود را در همان نقش یافتند. همان جوانان، اینستار میباید اعمال کماندوهای شاه‌وما مورین ساواک را تکرار میکردند. و باز هم باید همان توجیهاات رژیم شاه را یکبار

کمکهای مالی دریافت شده

الف	ر	ص	ه
۱۰۵۲۵	۱۰۱۳۲	۲۰۰۰	۶۰۰
ب	۵۲۲۶	ف	۱۱۱۱
۳۵۰۰	۵۷۱۱	۸۴۱۷	
پ	۱۰۱۳۲	۱۰۰۰	
۴۰۰	۱۱۷۳	گ	
۴۰۰۲	س	۱۰۰۰	
ت	۳۰۷۶۲	م	
۸۷۰	۷۰۱۰۰	۱۱۲۱	
د	۸۰۱۰۰	۲۴۳۳	
۱۰۱۷۹	ش	۱۹۳۴	
۲۵۱۰۱	۳۶۱۱	۱۰۲۰۰	
		۲۰۰۰	

بدون کد : ۱۰۰۰ و ۲۰۰۰

هواداران سازمان در انگلستان ۲۲۰۰۰۰ ریال

هواداران سازمان در سوئیس ۱۲۷۰۰۰ ریال

هواداران سازمان در آلمان غربی ۱۰۰۰۰۰ ریال